

عوامل برنامه «منم بچه مسلمان» شبکه قرآن سیما، امروز با حضور در واحد امور ارتباط با مخاطبان (۱۶۲) رسانه ملی، به صورت زنده و مستقیم به سؤالات مخاطبان پاسخ می‌دهند. براین اساس، عوامل این برنامه از ساعت ۱۰ تا ۱۱ با حضور در واحد امور ارتباط با مخاطبان (۱۶۲) رسانه ملی، به سؤالات مخاطبان پاسخ می‌دهند. محله، حیاط مسجدوشیستان جزولوکیشن‌های اصلی برنامه منم بچه مسلمان است. ساختار برنامه نمایشی است

عوامل

«منم بچه مسلمان» به ۱۶۲ می‌روند

طهران-بیروت بایک کوله‌پشتی

لزوم تجهیز در جنگ رسانه‌ای را در گفت‌وگو با سید علی صدری‌نیا، یکی از کارگردانان مجموعه مستند شبکه سه بررسی کردیم



به‌صورت روزانه برای شبکه‌های مختلف در ایران گزارش ارائه می‌کنند. برخی برای بلندمدت مستند و محتوا تولید می‌کنند، افرادی برای فضای مجازی فعال هستند واشخاصی نیز ارتباطات زنده می‌گیرند و به شبکه‌های مختلف ارائه می‌دهند. من بسیاری از فعالان فضای مجازی را هم اینجا دیده‌ام. به نظرم این تنوع روایت‌ها اتفاق خوبی است چون تلاش می‌شود مخاطبان و بسترهای مختلف را در بر بگیرد. برای برخی از اینها فضای تحلیلی‌تری وجود دارد، برای بعضی هم فضای قصه‌گویی را شاهد هستیم که خود روایت‌ها صالت دارد. هرکدام از اینها جای خودش را پیدا می‌کند و تلاشی می‌شود از تجربه گذشته که خلئی در روایت بوده استفاده کنیم تا روایت‌های دست‌اولی ارائه شود.

تولید به‌روز، بخش بی‌فاله

وی درباره روند تولید این مجموعه مستند هم عنوان می‌کند: داستان مجموعه مستندهای طهران – بیروت که هشت شب از شبکه سه تولید و پخش می‌شود، کاملاً به‌روز است و نهایت با یکی دو روز تأخیر، روی آنتن می‌رود. ابتدای هر قسمت، تاریخ ضبط آن بیان می‌شود. شاید بتوان گفت در همین لبنان بود که به ایده چگونگی اجرای طهران-بیروت رسیدیم. در واقع در عمل دیدیم که فضای میدانی برای تولید این مجموعه مستند وجود دارد و حوادثی که روی می‌دهد به گونه‌ای است که اگر می‌خواستیم داخل استودیو یا در روایت کنیم، حس درست را به مخاطب منتقل نمی‌کرد. تلاش کردیم با این فرم از روایت، بتوانیم هر اتفاقی که می‌افتد را به‌روز بیان کنیم.

مثلا در یکی از قسمت‌ها، بمباران گسترده‌ای که صورت گرفته بود و رژیم صهیونیستی ادعا داشت که انبار مهمات بوده را نشان دادیم و

درنگ

محدودیت‌های شرایط جنگی

صدری‌نیا با اشاره به تجهیزات اندک تولید این مجموعه مستند، می‌گوید: برای تولید یک مستند کوتاه که روزانه تولید شده و به‌بخش می‌رسد، یک تیم چند نفره نیاز است، اما در طهران-بیروت، دو نفره کار را جلو برده‌ایم و تجهیزات مان در قدوقواره یک کوله‌پشتی است. ما وسط میدان یک جنگ هستیم که محدودیت‌های بسیاری در آن وجود دارد. باین حال تلاش کردیم در دل یک کار شبانه‌روزی، روایت‌های صادقانه و دقیق داشته باشیم و مخاطب بتواند تحلیل



مجموعه جدید در کنار بازیگران و شخصیت‌ها قرار دارند؛ بهادر، پسر پر انرژی که کارهایش را با عجله انجام می‌دهد، غاغان‌خان، کلانگی که در محل رفت‌وآمد می‌کند و اشیای دور ریز را جمع می‌کند و با خبرچینی‌های خود در سرباهی به همراه می‌آورد. برنامه منم بچه مسلمان به تهیه‌کنندگی مهدی روش‌نوش، کارگردانی مرضیه منصوری و سردبیری محمدحسین حبیبی در گروه خانه‌تولیدات جوان مرکز سیمیرغ در ۱۰۰ قسمت ۲۵ دقیقه‌ای تولید شده است.

گاهی اشک ریختم و گاهی هم گم شدم، همه چیز را به شکل واقعی به مخاطب می‌گویم. حتی وقتی جایی اجازه تصویربرداری به ما نمی‌دهند، آن را به مخاطب می‌گویم. با این کار، یک روایت واقعی به مخاطب ارائه می‌کنیم تا اطلاعات و تحلیل لازم را داشته باشند. این کارگردان درباره مهمانان برنامه هم این‌طور بیان می‌کند: حدود هفت قسمت از کار آماده شده و در بازه زمانی چند هفته آینده، تلاش می‌کنیم از بین چهره‌های ایرانی و لبنانی که اینجا هستند و هرکدام از زاویه خود مشغول فعالیت هستند، سراغ روایت‌هایی از نقاط مختلف لبنان برویم. چهره‌های مختلف ایرانی، از فعالان رسانه‌ای، مستندسازان، عکاسان، روحانیون، مداحان و... در لبنان حضور دارند و هریک در زمینه امداد رسانی به آوارگان، تأمین بودجه و تهیه اوراق، فعالیت می‌کنند. هرکدام از این گروه‌ها، روایت‌هایی را در مستند مابین می‌کنند. درعین حال، بحث‌های رسانه‌ای را هم با فعالان این حوزه خواهیم داشت و بحران این روزها را در گفت‌وگو با خبرنگاران و فعالان سیاسی جلو می‌بریم. هریاب را یک نفر همراه می‌شویم تا روایتش را داشته باشیم. درعین حال، بسیاری‌شان داستان خود را دارند. مثلاً در گفت‌وگویی که با آقای یامین پور داشیم، سراغ این روایت رفتیم که در سال ۲۰۰۳ به لبنان آمده بود و با سید حسن نصر... در قالب یک جمعی، دیدار داشت. همچنین سراغ یکی از مستندسازان رقتیم که جنگ ۳۲ روزه را درک کرده بود. این روایت‌های شخصی و تخصصی افراد، به ماکمک می‌کند تا هریاب به واسطه آنها سراغ بخش‌های جدیدی برویم که گاهی خودمان از آن بی‌خبر بودیم یا باین جزئیات از آن خبر نداشتیم. یکی از تفاوت‌های طهران-بیروت با دیگر کارهایی که پیش از این از صدری‌نیاروی آنتن رفته، قرار گرفتنش مقابل دوربین برای روایت است. خودش این‌طور می‌گوید: من پیش از این در برنامه‌هایی مثل «به‌اضافه‌مستند» تجربه‌ایچرا داشتیم اما برای مستند و کارهای اینچنینی، اغلب جلوی دوربین نمی‌آمدم. به جز مستندی به نام تهران-دشمن که در سال ۱۳۹۶ ساختم و روایتی از دل جنگ سوریه بود؛ آنجا برای روایت جلوی دوربین قرار گرفتم. شاید حاصل آن تجربه‌ها و حتی برنامه‌ای مثل بی‌واسطه که بخشی از گفت‌وگوها داخل خودرو اتفاق می‌افتاد، دست به‌دست هم داد تا به مجموعه مستند طهران-بیروت برسیم. البته بخشی از کار هم به دلیل مقتضیات صحنه و میدانی بود که در آن قرار گرفتیم.

برای جنگ رسانه‌ای تجهیز شویم

اما نکته مهم در این میان، قرار داشتن در نبرد رسانه‌ای است. صدری‌نیا با اشاره به عمیق بودن این جنگ رسانه‌ای عنوان می‌کند: این جنگ رسانه‌ای که الان در جریان است، بسیار عمیق‌تر از قبل است. رسانه‌های بزرگ جهان بخشی از ظرفیت خود را پای کار آورده‌اند. خود رژیم صهیونیستی بخش جدی کار خود را روی عملیات روانی و رسانه‌ای گذاشته. کمالین که بعد از عملیات میدانی، پیام‌داده یا عملیات رسانه‌ای انجام می‌دهد و تلاش می‌کند شبهه ایجاد کند. این یک جنگ رسانه‌ای گسترده است و آنچه ما انجام می‌دهیم، به اندازه توان خودمان است. گروه‌های مختلفی اینجا حاضر هستند. به‌نظرم کارهای خوبی در حال انجام است اما کافی نیست. این جنگ حدود دوشد بزرگ‌تر از این حرف‌هاست. حتماً نیازمند تمهیدات جدی‌تری هستیم چه در تولیداتی که برای روایت در داخل ایران است، چه رسانه‌هایی که نیازشان داریم تا صدایمان را فراتر از مرزها به گوش جهان برسانند تا تأثیرگذار بوده و داری کشورگی لازم باشد. اما آن‌طور که صدری‌نیایابان می‌کند، همه چیز کامل نیست و خلأهایی هم احساس می‌شود. او بیان می‌کند: راینجاها خلأهای جدی داریم. البته خیلی وقت‌ها اقداماتی که در میدان انجام می‌دهیم، باعث می‌شود رسانه‌های بزرگ جهان نتوانند از کنار آن به راحتی گذر کنند. مثلاً در مقطعی مثل زمانی که عملیات وعده صادق انجام شد، کل منطقه تبدیل به رسانه‌های ایران شدند. مساله حضور رهبر معظم انقلاب در نماز جمعه از همین جسد بود. کمالین که حضور وزیر خارجه ایران یار رئیس مجلس در بیروت، تأثیرات رسانه‌ای خود را داشته و عملیات رسانه‌ای موفق‌یه بوده. باین حال، برای تولیدات رسانه‌ای نیازمند کارهایی با برنامه‌ریزی بلندمدت هستیم و به‌نظرم خلأان هنوز احساس می‌شود.


ویدئو

خارپشت طمع‌کار

مریم فلاح: جوجه‌تیغی کوچولویی با دو دشتش سعی می‌کرد میوه‌های از درخت‌افتاده را جمع کند. در این لحظه مادر به طرفش آمد و به او یاد داد چگونه خودش را گوله کند، روی زمین بغلند و به کمک تیغ‌هایش میوه‌ها را جمع کند؛ شیوه‌ای که او از مادرش یاد گرفته بود. درحالی‌که مادر و فرزند در حال خوش‌ویش بودند، دایرکوب خیر آورد در آن نزدیکی هندوانه‌ای بزرگ رشد کرده است. با شنیدن این خبر بی‌درنگ بالای سر هندوانه حاضر شدند تا آن را به خانه ببرند، اما مادر هرچه تلاش کرد، نتوانست هندوانه را به پشتش بگیرد. پس خودش را گوله کرد و مثل اهره برقی با تمام توان روی پوست هندوانه چرخید تا تیغ‌هایش به داخل پوست آن فرورفت، اما از بدشانسی هندوانه غلتی خورد و خارپشت مادر به داخل آن فرو رفت.


نویسنده: آواستن کبیر

رسانه

دوشنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۳ ۶۸۸۶ شماره

روایت

امیر داساکر اکارگردان تلویزیون و سینما

مجموعه یادداشت‌های سفر به لبنان / بخش سوم

قصه آن شب روی بام



حدود ساعت ۱۰ شب، بعد از انفجار عظیم ضاحیه بود که به هتل رسیدیم! خیلی خسته و داغون! در مسیر و در نیم‌ساعت اخیرش، پیام‌ها و تماس‌های زیادی از تهران داشتیم که می‌خواستند برای شنیدن اوضاع منطقه، ارتباط تصویری یا رادیویی بگیرند! نگران بودم که حرفی‌بزنم که نیاید بزنم و برای همین قبول نکردم. به‌هتل که رسیدم دیگر سروشوت سید حسن شده بود سؤال و دغدغه همه، نشستم پای رسانه‌های خبری عربی مخصوصاً آنهایی که ضدمقاومت هستند. دقایق عذاب‌آوری بود و سعی می‌کردیم یکدیگر را تسکین دهیم و دنبال نقطه امید می‌گشتیم. یکی از رفقا پیام داد که «کجایی؟! از ضاحیه برو بیرون، اسرائیل سه نقطه مشخص کرده و گفته تا شاع ۵۰ متر را خالی کنید.» خیلی نگران شدم، ترس به دلم افتاد. سریع با فرهاد نقاط را چک کردیم و متوجه شدیم حدود یک کیلومتر با نزدیک‌ترین نقطه فاصله داریم! افضا با سرعت عجیبی داشت جنگی می‌شد. تصاویر مردم، زن‌ها و بچه‌ها که حدود نیمه‌شب برای خروج از منطقه در خیابان‌ها راه‌افتاده‌اند، روی آنتن شبکه‌ها رفت. این تصاویر کاملاً تشدیدکننده وحشی بود که رژیم دوست داشت ایجاد کند. در این حاج‌وواج و سردرگمی، یکی از تلخ‌ترین لحظه‌های زندگی‌ام را چشیدم. فردی از ارتش رژیم با زبان عربی، سرمست از غرور و لحنی تحقیرآمیز، رُست دل‌سوزی گرفته بود و به مردم هشدار می‌داد منطقه را خالی کنند. خیلی برایم سنگین بود. واقعاً غورم جریحه‌دار می‌شد. نمی‌دانستم باید چه‌کنم. فرهاد سریع تا طبقه آخر رفت تا ببیند می‌تواند برای تصویر گرفتن روی بام برود که با در بسته روبه‌رو شد و نشد. دوتایی آمدیم جلوی هتل، دیگر خبری از سربازهای ایست بازرسی روبه‌روی هتل و خودروهای زرهی‌شان نبود. فکر نمی‌کردم قرار گرفتن در معرض یک جنگ جدی، آن‌قدر مرا به‌هم بریزد. یاد هسرم افتادم و این‌که احتمالاً خیلی نگران است. به فرهاد گفتم یک عکس بگیر و به زور زل‌خورداروی صورتم جوش دادم و پرایش فرستادم تا کمی خیالش راحت شود.



حدود ساعت دوازده و نیم بود که فهمیدیم اولین نقطه بمباران شده، فرهاد دوباره طاقت نیاورد و بالاخره راه بام را پیدا کرد. با دوربین و سه‌پایه، از طریق راه‌پله اضطراری، به طبقه سیزدهم رفتم. دود سیاهی در حدود دو کیلومتری بلند بود. از اینجا صدای پهبادی را شنیدم که بالای سرمان و طوری که دیده نمی‌شد، در پرواز بود. راستش اصلاً صدایش خوشم نیامد! نمی‌دانستم قرار است چه اتفاقی بیفتد. کم‌کم حس کردم پهباد نزدیک‌تر شد. بعد از حدود ۱۰ دقیقه بالاخره صدای زوزه یا فیس شنیده شد و کمتر از سه ثانیه انفجار بزرگی رخ داد! تا حدود سه ساعت شاید حدود ۲۰۰ بار ضاحیه را زدند که نزدیک‌ترین حدود یک کیلومتری ما بود! نکته ادیت‌کننده این بود که نقطه‌های نزدیک‌تر به ما را در فاصله‌های زمانی نامنظم، سه بار زدند. این قاعده جدیدی در این جنگ بود و اگر غروب در محل بمباران و ترور سید این اتفاق می‌افتاد، حداقل ۲۰۰ نفر شهید و زخمی می‌شدند. تنم لرزید! نامی‌دلم چرا، ولی فکر می‌کردم اگر زیر این سقف باشیم جایم امن‌تر است. دائم به فرهاد می‌گفتم بیا و دوربینت را اینجا بگذار! بعضی از انفجارها خیلی موج‌شان شدید بود و ما را هم تکان می‌داد و می‌ترسیدم فرهاد از لیه دیوار پرت شود. او سایر بچه‌ها، اما جگر شیر داشتند و می‌دانستند چه‌کاری می‌کنند. زیر صدای وزوز پهباد و بیس بیس موشک‌ها، خیلی آرام کارشان را می‌کردند.



سیدۀ اشوری گروه رسانه

جلوی تحریف رسانه‌ای را بگیرند. یکی از تولیدات تازه رسانه ملی در این خصوص، مجموعه مستند «طهران-بیروت» است که ساده و بی‌تکلف به دنبال روایتی دقیق، اما متفاوت است. این مجموعه مستند، به کارگردانی مشترک سید محمد علی صدری‌نیا و محسن اردستانی تولید و روانه آنتن شبکه سه شده است. مستندی که به گفته عوامل، با تجهیزاتی در قد و قواره یک کوله‌پشتی تولید شده است. صدری‌نیا پیش از این به‌واسطه تولید مستندهای غیررسمی و بی‌واسطه، توانسته بود در گونه مستند هم مخاطبان را به سمت خود بکشاند. محسن اردستانی هم از مستندسازان توانمندی است که پیش از این آثاری همچون سرباز چهل‌وشش ساله را کارگردانی کرده بود. در گفت‌وگو با علی صدری‌نیا از کارگردانان این مجموعه، جزئیات و نحوه تولید آن را جویا شدیم.

تلاش برای کامل کردن خلاء روایت

شاید بتوان نبرد اخیر لبنان با رژیم صهیونیستی را از این منظر متفاوت دانست که روایت‌های دست‌اول و جدیدی از آن به مخاطب ارائه می‌شود. علی صدری‌نیا از کارگردانان مستند طهران – بیروت، با اشاره به تمرکز مستند فوق بر روایت‌های کوتاه، به جام‌جم می‌گوید: سال گذشته که ما جرای طوفان الاقصی در هفتم اکثر اتفاق افتاد، اهالی رسانه علاقه‌مند شدند خودشان را به غزه برسانند و کمک رسانه‌ای داشته باشند تا روایت‌هایی از آنجا ارائه شود، اما شرایط فراهم نبود. همان زمان هم در جنوب لبنان وقتی اتفاقاتی افتاد، گروه‌های رسانه‌ای اعزام شدند، اما تمرکز درگیری‌ها بیشتر در غزه بود. در هفته‌های اخیر با اتفاقاتی که افتاد و تشدید درگیری‌های لبنان که همزمان با ترور فرماندهان و رهبران جبهه مقاومت بود، تمرکز بیشتری به سمت لبنان صورت گرفت و میدان نبرد رژیم صهیونیستی در لبنان، جدی‌تر از قبل شد. به همین دلیل دوستان رسانه‌ای مختلفی این بار خودشان را به لبنان رساندند تا روایت‌های متفاوتی از آنجا داشته باشند. همزمان، گروه‌های خبری



به یاد شهیدی که گرافیست بود

محاسن الخطیب، بانویی هنرمند فلسطینی که با هنرش جلوه‌هایی از مقاومت را به تصویر می‌کشید به‌تازگی در یکی از جنایات رژیم صهیونیستی در بمباران اردوگاه آوارگان جبالیا در شمال نوار غزه به شهادت رسید. او در آخرین پست صفحه‌اش تصویری مربوط به جنایت وحشیانه رژیم صهیونیستی و آتش‌سوزی جادر آوارگان در بیمارستان شهدای الاقصی را به تصویر کشیده بود. محاسن طی یک‌سال گذشته آثار هنری دیجیتالی متعددی را برای انتقال صدای مردم غزه و پیام و آرمان ملت فلسطین در صفحات اجتماعی خود منتشر کرد و افراد بسیاری آتش را دنبال می‌کردند. بنیاد فرهنگ و هنر رواسی فلسطین در پیامی شهادت او را تسلیت گفت و نوشت: «با شهادت محاسن، فردی خلاق و درخشان را از دست دادیم که با آثار هنری خود پیام مردم و آرمان خود را منتقل می‌کرد. رنگ‌های تونزیبایی‌های من، می‌ماند و تصویر آزادی را ترسیم می‌کند». دانشجویان دانشکده تلویزیون و هنرهای دیجیتال دانشگاه صداسیما به یاد این شهید هنرمند، رویدادی را برگزار می‌کنند تا یاد این شهید را گرامی بدارند. این شهید در زمان حیات خود، با استفاده از زبان هنر تلاش می‌کرد تا جنایات رژیم صهیونیستی را به گوش جهان برساند.

سیما

طبیعت پنهان آفریقا در تهران

تلویزیون تانکون مستندهای بسیاری را با رویکرد پرداختن به حوزه حیات وحش، روی آنتن برده است. حالا قرار است یکی از مستندها با این موضوع، از شبکه تهران پخش شود.

حیات وحش آفریقای جنوبی به کارگردانی ماروس برگر از روز گذشته ساعت ۸:۴۰ از قاب شبکه تهران آغاز شد. این مستند محصول ۲۰۱۵ کشور آمریکاست که در شش قسمت ۴۵ دقیقه‌ای تهیه و تولید شده است.

مستند طبیعت پنهان آفریقا به بررسی نقاط کوهستانی و بیابانی آفریقای جنوبی می‌پردازد که وسعت بسیار زیادی را در بر می‌گیرد. این منطقه جغرافیایی پر از جانوران بومی است که در بخشی از مستند به تحقیق و پژوهش درباره حیات و زیست این جانوران پرداخته می‌شود.

از جمله می‌توان به عقاب‌ها، کرکس‌ها، میمون‌ها، مارها و... اشاره کرد. طبیعت پنهان آفریقا مستندی فوق‌العاده زیبا از دنیای حیوانات است که تصاویر زیبایی را برای مخاطب ترسیم می‌کند. این مستند به همت واحد تأمین برنامه شبکه تهران از ابتدا تا پایان هفته در جدول پخش این شبکه قرار گرفته است.

